

دارایی های نامشهود در ترازنامه و هزینه های حسابرسی^۱

عزیز گرد^۱، علی اصغر صالحی^۲، مهدی محمدی^۳

۱. استادیار حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران ایران

۲. مربی دانشگاه پیام نور تهران ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور تهران غرب

چکیده

این مطالعه تجربی به نحوه مشاهده حسابرسان به دارایی های نامشهود که در تراز نامه ثبت شده اند می پردازد. نقش دارایی های نامشهود در ترازنامه شرکت ها افزایش یافته است و اهمیت آن ها در حال رشد است. در مقابل دارایی های مشهود، دارایی های نامشهود، چالش های منحصر به فردی را برای حسابرسان در شرایط قضاوت و پیچیدگی ایجاد می کنند. این تحقیق از یک نمونه از شرکت COMPUSTAT در طول دوره های ۲۰۱۵-۲۰۱۰ استفاده می کند. نتایج نشان می دهد که حسابرسان هزینه های بالاتری برای شرکت هایی که دارای مقدار بیشتری دارایی های نامشهود هستند در نظر می گیرند. این تحقیق تمامی دارایی های نامشهود، شامل سرقتی و دارایی های نامشهود بدون سرقتی را در نظر می گیرد. برای شرکت هایی با نرخ بالای "ارزش دفتری به بازار" این نتایج قوی تر هستند و نشان می دهند که زیان ارزش بالقوه، حسابرسان را مجبور به دریافت هزینه های بالاتر برای چنین شرکت هایی می کند. انواع آزمونهای حساسیت برای بررسی قابلیت اطمینان نتایج انجام می شود این نتایج برای سرمایه گذاران، قانون گذاران، مدیران شرکت ها، و حسابرسان دارای اهمیت هستند.

واژگان کلیدی

دارائیهای نامشهود، هزینه های حسابرسی، سرقتی، احتمال خطر حسابرسی، کاهش ارزش

^۱ مقاله ارائه شده ترجمه مقاله Intangible assets on the balance sheet and audit fees از نویسنده Gnanakumar Visvanathan می باشد که در سال ۲۰۱۷ در مجله بین المللی حاکمیت و افشا منتشر شده است.

در طول چند دهه گذشته، نسبت دارایی های نامشهود در ترازنامه های شرکت های آمریکایی افزایش یافته است (کالانچ ۲۰۱۶). ناکامورا (۲۰۰۸) اشاره می کند که سرمایه گذاری در هزینه های سرمایه گذاری نامشهود از حدود ۴ درصد از تولید ناخالص داخلی ایالات متحده در سال ۱۹۷۷ به ۹-۱۰ درصد در سال ۲۰۰۶ افزایش یافته است. با توجه به این افزایش در اهمیت دارایی های نامشهود، ادبیات حسابداری بررسی می کند چگونه سرمایه گذاران و قانون گذاران به این موقعیت در حال تغییر ترازنامه پاسخ می دهند (لو و گو ۲۰۱۶). این تحقیق چگونگی ناظرین بر گزارش های مالی، یعنی حسابرسان، وجود دارایی های نامشهود در ترازنامه را بررسی می کند اگر چه مسائل مربوط به حسابداری برای دارایی های نامشهود مشابه با دارایی، کارخانه و تجهیزات هستند ولی یک تفاوت مهم این است که مزایای آینده دارایی های نامشهود معمولاً خیلی کمتر از دارایی های مشهود می باشد. (اسپیکلند ۲۰۱۷). U.S.GAAP (اصول کلی پذیرفته شده حسابداری) به طور کلی اجازه می دهد شرکت ها دارایی های نامشهود را در هنگام خرید ثبت کنند اما اجازه سرمایه گذاری هزینه های تحمیل شده روی دارایی های نامشهود تولید شده داخلی به استثنای هزینه های حقوقی و اداری را نمی دهد. حسابرسی دارایی های نامشهود، مجموعه ای از چالش ها متفاوت از حسابرسی دارایی های مشهود مانند اموال، کارخانه و تجهیزات را مطرح می کند. از یک طرف، دارایی های مشهود نیاز به تایید فیزیکی دارد که ممکن است وقت گیر و پر هزینه باشد در مقابل، دارایی های نامشهود نیازی به تایید فیزیکی گسترده ندارند. از سوی دیگر، ارزش گذاری دارایی های مشهود را می توان نسبتاً ساده تر کرد در حالی که برای برخی از دارایی های نامشهود پیچیدگی های زیادی وجود دارد که ارزیابی را بسیار سخت میکند مانند سرقتی زیرا اختیار قابل توجهی وجود دارد (رامانا و واتس ۲۰۱۲) بنابراین، آیا حسابرسان حسابرسی دارایی های نامشهود را پرخطرتر از دارایی های دیگر می دانند؟ آیا حسابرسان درک درستی از حسابرسی دارایی های نامشهود در مقابل دارایی های دیگر به عنوان ریسک بیشتر حسابرسی دارند. در این تحقیق با استفاده از نمونه ای از شرکت های COMPUSTAT (کامپوستند) و تجزیه و تحلیل حسابرسی در طول دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۵ انجام در می یابد که هزینه های حسابرسی برای شرکت هایی با دارایی های نامشهود در ترازنامه بیشتر است. این نتیجه برای دارایی های مرتبط با سرقتی و سایر دارایی های نامشهود درست است. این رابطه برای شرکت هایی که ارزش دفتری به ارزش بازار بالاتر دارند، بیشتر مشهود است که نشان می دهد که حسابرسان ممکن است این شرکت ها را با ریسک بالاتری بررسی کنند. اگر چه علم اقتصاد در حال رشد می باشد و اهمیت دارایی های نامشهود به طور قابل توجهی افزایش یافته است، تعداد کمی مقاله که چگونه حسابرسان رشد دارایی های نامشهود را در ترازنامه در نظر می گیرند بررسی کرده اند (مقالاتی که مربوط به این حوزه هستند شامل شیپمان ۲۰۱۶ که رابطه بین کاهش ارزش در سرقتی و هزینه ها را مطالعه می کند؛ کریشان و وانگ (۲۰۱۴) که رابطه بین هزینه های توسعه نرم افزار و هزینه های حسابرسی را بررسی می کند)

علاوه بر این، هیئت نظارت بر حسابرسی شرکت های عمومی (PCAOB) بر نقص قابل توجه در حسابرسی دارایی های نامشهود تاکید داشته است (PCAOB ۲۰۱۵). این مطالعه به درک ما از این زمینه مهم کمک می کند. این مطالعه همچنین به ادبیات مربوط به عوامل تعیین کننده حسابرسی کمک می کند. با مستند سازی ترکیب دارایی ها یکی دیگر از عوامل مهم تعیین هزینه های حسابرسی است که ارزیابی دارایی ها یک عامل مهم در رابطه بین هزینه های حسابرسی و دارایی های نامشهود است. بقیه مطالعه به شرح زیر است: قوانین حسابداری و روش های حسابرسی مربوط به دارایی های نامشهود در ادامه بحث می شود، و به دنبال آن، ایجاد فرضیه طراحی پژوهش، انتخاب نمونه، نتایج، تجزیه و تحلیل های بیشتر، و در نهایت خلاصه مقاله ارائه می شوند.

حسابداری دارایی های نامشهود

دارایی های نامشهود، در مقایسه با دارایی های مشهود، مواد یا مولفه های فیزیکی ندارند. دارایی های نامشهود معمولاً توسط یک سند قانونی مشخص می شوند. عموماً شش دسته دارایی نامشهود وجود دارد: (Kieso et al. ۲۰۱۶): دارایی های

نامشهود مرتبط با بازاریابی مانند علامت های تجاری، دارایی های نامشهود مرتبط با مشتری مانند لیست مشتری، دارایی های نامشهود هنری مانند حق انحصاری، دارایی های نامشهود مربوط به قرارداد مانند قراردادهای اجازه استفاده از نام تجاری یا مجوز، دارایی های نامشهود مرتبط با تکنولوژی مانند ثبت اختراع. زمانی که دارایی های نامشهود خریداری می شوند هزینه آن ها ثبت می شود. اگر آنها در داخل توسعه یافته اند، آنها به طور کلی هزینه بر می باشند. اما هزینه های مستقیم مانند هزینه های قانونی که در توسعه دارایی های نامشهود ایجاد شده اند، با این حال سرمایه گذاری می شوند سرقفلی تولید شده داخلی سرمایه گذاری محسوب نمی شود. اگر چه برای برخی دارایی ها مانند اخذ ثبت اختراع، حسابداری دارایی نسبتاً سر راست است، در موارد دیگر مانند سرقفلی و یا حقوق فرانضای حسابداری مسائل می تواند پیچیده باشد. (هولدر وب و کلبل ۲۰۰۶). سرقفلی فقط زمانی ثبت می شود که کل کسب و کار خریداری شده باشد و به مورد بیش از قیمت بازار خرید شناسایی شود. دارایی های نامشهود زمانی که ثبت می شوند هزینه بر به حساب می آیند اگر آنها عمر کوتاهی داشته باشند. آنها هزینه بر لحاظ نمی شوند اگر آنها یک عمر نامحدود داشته باشند (مانند سرقفلی).

مشابه سایر دارایی های بلند مدت، کاهش ارزش نقدینگی دارایی های نامشهود ثبت شده ارزیابی می شود در ثبت دارایی های نامشهود ارزیابی به صورت ناقص صورت می گیرد وقتی شاخص هایی مانند تغییر قابل توجه در شرایط تجاری و یا حضور زبان های موجود و پیش بینی شده در آینده مطرح شود. در مقابل، برای دارایی هایی با عمر نامحدود مانند سرقفلی، بررسی کاهش ارزش نقدینگی باید سالانه انجام شود (FASB ۲۰۱۷). زیان ناشی از کاهش ارزش دارایی به عنوان تفاوت بین ارزش حسابداری دارایی و ارزش واقعی آن محاسبه می شود. توجه داشته باشید ارزیابی زیان حق واگذاری در واحد گزارشگر انجام می شود.

روش های حسابرسی برای دارایی های نامشهود

برای تمام دارایی ها، حسابرسان مجموعه ای از روش ها را برای انجام مسئولیت های حسابرسی خود دارند. این رویه ها عبارتند از، تایید وجود دارایی ها و اطمینان از اینکه: تمام معاملات مربوط به دارایی ها به طور کامل ثبت شده اند، حقوق مالکیت دارایی ها بخوبی ایجاد شده است و ترازنامه ها به درستی منعکس کننده ارزیابی دارایی ها هستند. هنگام حسابرسی دارایی های نامشهود، حسابرسان باید آزمون های اساسی را انجام دهند: تعیین کنند که دارایی های نامشهود متعلق به کدام سازمان هستند توسط بررسی اسناد مربوطه، مانند خرید یا قرارداد فروش؛ محاسبه مدیریت از هر گونه سود یا زیان در دفع دارایی های نامشهود و تعیین اینکه آیا مبلغ حسابداری به درستی کاهش یافته است؛ تعیین اینکه آیا مبلغ حسابداری به درستی کاهش یافته است؛

و در مورد اینکه آیا شرایط نشان می دهد که از نظر حسابداری مقداری دارایی های نامشهود ممکن است قابل بازیافت نباشد از مدیران سوال کرد. (جانستون و همکاران ۲۰۱۴). جایی که چنین شرایطی وجود دارد، حسابرسان باید تست و نتیجه گیری زیان مدیریتی را ارزیابی کنند. همه این گام ها می تواند ارزش گذاری و حسابرسی دارایی های نامشهود را کاملاً وقت گیر کند (مونگا ۲۰۱۶). در انجام وظایف، حسابرسان میزان ریسک درگیر شدن در فرایند حسابرسی را ارزیابی می کنند. در ادبیات حسابرسی، ریسک حسابرسی یک تابع از ریسک های ذاتی، کنترل، و خطرات تشخیص در نظر گرفته می شود. کتاب حسابرسی استاندارد توسط مسیه و همکاران (۲۰۱۷)، ادعا می کند که "خطر ذاتی مربوط به دارایی های نامشهود و سرقفلی، ملاحظات ریسک جدی را افزایش می دهد. قوانین حسابداری پیچیده است و حسابرسی معاملات دشوار است. استانداردهای حسابداری نیاز به آزمونهای مختلفی برای کلاسهای مختلف دارایی های نامشهود دارند. با قضاوت و پیچیدگی مرتبط با ارزیابی و برآورد دارایی های نامشهود و سرقفلی، به احتمال زیاد ریسک آن را بالا ارزیابی می کند. ریسک کنترل ناشی از عدم وجود یا شکست کنترل های نهاد مشتری و در نتیجه تمایل به یک مشتری خاص نیز افزایش می یابد. برای رفع خطر کنترل دارایی های نامشهود، حسابرس باید در نظر داشته باشد: تجربه و تخصص کارکنانی که تعیین کننده ارزش منصفانه دارایی های نامشهود است؛ مفروضاتی که توسط شرکت در رسیدن به ارزش استفاده می شود؛ کنترل فرایند ارزیابی ارزش های منصفانه و اینکه آیا اختلاف بین تکالیف بین خرید و ارزیابی چنین دارایی ها وجود دارد؛ و یکپارچگی کنترل بر ارزیابی (PCAOB ۲۰۱۶a).

اگر یک متخصص برای ارزش گذاری دارایی های غیرمشهود استفاده شود، سپس حسابرس باید تجربه و تخصص متخصص، مفروضات مورد استفاده، و رابطه متخصص با مشتری را در نظر بگیرد (PCAOB ۲۰۱۶a). بنابراین، هر دو ریسک های ذاتی و کنترل برای دارایی های نامشهود احتمالاً از دیدگاه حسابرس به میزان قابل توجهی بالا خواهند بود. برای رسیدگی به این موضوع، حسابرسان مجبور به افزایش تلاش حسابرسی و منابع برای اطمینان از سطح قابل قبول ریسک حسابرسی هستند. شناخت دارایی های نامشهود و ارزش گذاری آنها همواره در میان مسائل مهم در نظر گرفته می شود نه فقط برای حسابرسان، بلکه برای دستگاه های نظارتی که کار نظارت و بازرسی کارکنان را انجام می دهد نیز دارای اهمیت می باشد. سازمان بازرسی کارکنان PCAOB (۲۰۱۶b) در مشاهدات سال ۲۰۱۵ به سه نقص رایج مشخص شده در دوره بازرسی ۲۰۱۵ اشاره می کند، دو مورد از آن ها مربوط به دارایی های نامشهود هستند: و یک مورد مربوط به تست تخمین ها در روند ارزیابی دارایی ها و بدهی های خریداری شده در یک کسب و کار و همچنین ارزیابی تجزیه و تحلیل زبان برای سرقفلی و دیگر دارایی های طولانی مدت.

توسعه فرضیات

بحث در مورد روش های حسابرسی برای دارایی های نامشهود نشان می دهد که در حالی که این روش ها به هر دو دارایی های مشهود و دارایی های نامشهود اعمال می شوند، کاربرد این روش ها دارای برخی از تفاوت های عملی برای دارایی های نامشهود است. تأیید فیزیکی بسیار ساده است برخلاف واری یک دارایی نامشهود. برخی دارایی های نامشهود مانند ثبت اختراعات شامل بررسی اسناد رسمی است که ممکن است وقت گیر نباشد (مگر آنکه چالش های قانونی وجود داشته باشد که ارزش اساسی را مورد سوال قرار می دهند)، در حالی که دارایی های دیگر مانند سرقفلی ممکن است به دلیل پیچیدگی بالقوه تخمین های ارزش منصفانه ای که در تأیید چنین دارایی ها وجود دارد، نیاز به زمان و تخصص زیادی داشته باشند. این بدان معنی است که برخی از دارایی های نامشهود ممکن است نیاز به تلاش های حسابرسی بیشتر داشته باشند. دارایی های نامشهود همچنین ممکن است از دارایی های مشهود از دیدگاه حسابرسی با توجه به عدم اطمینان نسبت به کاهش ارزش، که ممکن است خطر حسابرسی را افزایش دهد، متفاوت باشد. بدین معنی که ارزیابی دارایی های نامشهود ممکن است کمتر دقیق باشد. با استفاده از نمونه ای گسترده از ترکیبات تجاری، مکلینز (۲۰۱۷). دریافتند که بین ارزش ثبت شده دارایی های نامشهود شناسایی شده و درآمد عملیات آینده رابطه قابل توجهی وجود ندارد. دوم، ارزیابی برای دارایی های نامشهود پیچیده تر است چون ذهنیت مهمی وجود دارد و چندین فرضیه توسط مدیران باید تأیید شوند که ممکن است دشوار باشد (رامانا و وات ۲۰۱۲). ذهنیت در قوانین حسابداری ممکن است منجر به دستکاری بالقوه شود. یک مدل دستکاری منفرد معمولاً اشاره کرد (بنیش ۱۹۹۹)

افزایش در نسبت دارایی های نامشهود را به عنوان احتمال بالقوه دستکاری تفسیر می کند. سوم، قوانین کاهش ارزش برای برخی از دارایی های نامشهود مانند سرقفلی متفاوت هستند یعنی برای هر کدام از این موارد باید کاهش ارزش را مورد ارزیابی قرار دهیم. سوم، قوانین کاهش ارزش برای برخی دارایی های نامشهود مانند قیمت سرقفلی هستند که باید برای احتمال کاهش ارزش در هر دوره حسابداری در مقایسه با دارایی های مشهود مورد ارزیابی قرار گیرد فقط اگر شاخص های خاصی وجود داشته باشند، باید برای کاهش ارزش بررسی شوند. استفاده از ارزش منصفانه در رسیدن به کاهش ارزش برآورد می شود حتی دشوار است با توجه به اینکه افشای اطلاعات در مورد اینکه چگونه ارزش های غیرمتمرکز ارزشمند هستند، باید تنها اطلاعات پایه ای در مورد مفروضاتی که این برآوردها را تولید می کنند (شرمان ۲۰۱۶).

بحث در مورد هر دو ریسک حسابرسی و تفاوت ها با دارایی های مشهود از لحاظ پیچیدگی و ذهنیت در ارزیابی، نشان می دهد که حسابرسان با سطح چالش بالقوه ای از لحاظ تلاش (یعنی تأیید دارایی) و از لحاظ خطر (یعنی ارزیابی دارایی ممکن است بیش از اندازه باشد) با توجه به دارایی های نامشهود روبرو می باشند. اگر چنین دارایی هایی نیاز به تأیید کمتری دارند برآورد ارزیابی دشوار نیست، پس حسابرسان ممکن است بر این اساس هزینه های پایین تری را برای تلاش و ریسک لحاظ

کنند. از سوی دیگر، اگر تلاش یا ریسک (به علت عدم قطعیت در مورد ارزیابی)، یا هر دو بالاتر در نظر گرفته شوند حسابرسان هزینه های بالاتری را برای جبران افزایش سطوح بالای خطر و تلاش لحاظ می کنند. بنابراین، این یک سوال تجربی است که آیا در حضور دارایی های نامشهود، حسابرسان هزینه های بالاتر یا پایین تری را در نظر می گیرند. بنابراین، فرضیه اول به صورت ذیل است:

H1 ارتباط مثبتی بین هزینه های حسابرسی و نسبت دارایی های نامشهود در ترازنامه وجود دارد.

دلایل متعددی وجود دارد مبنی بر این که می توانیم هزینه های حسابرسی بالاتری را مشاهده کنیم زمانی که یک شرکت دارای بخش بالایی از دارایی های نامشهود است، مانند تلاش های بیشتر برای تایید، عدم قطعیت بیشتر، خطر بیش از حد و غیره. در میان این موارد، نگرانی های ارزش گذاری به طور خاص ریسک حسابرسی تلقی می شوند. واتز و رامانا (۲۰۱۲) استدلال می کنند که حسابداری برای دارایی های نامشهود و خصوصاً سرقفلی، اختیار زیادی را به مدیران می دهد و در نتیجه شرکت ها می توانند اعداد گزارش شده را با استفاده از این اختیار دستکاری کنند. آنها اشاره می کنند که عدم اطمینان بیشتر ناشی از عدم قطعیت جریان های نقدی آینده است که به چندین عوامل غیر قابل پیش بینی بستگی دارد و خطر اخلاقی به عنوان توانایی تحقق بخشیدن به ارزش تعبیه شده در دارایی نامشهود مشروط به تلاش آینده مدیریت است. با توجه به اختیار قابل توجه، شرکت ها ممکن است به طور قابل ملاحظه ای ارزش دارایی های نامشهود در ترازنامه را دست بالا بگیرند. از دیدگاه حسابرسان این اختیار دارای ریسک حسابرسی زیادی است زیرا این ممکن است "قابل حسابرسی" نباشد. برای جبران احتمال ریسک ناشناخته بالقوه، حسابرسان احتمالاً حق بیمه بالاتری را در نظر می گیرند. بنابراین، یک رابطه مثبت بین هزینه های حسابرسی و دارایی های نامشهود در ترازنامه وجود دارد که در درجه اول به علت افزایش ریسک حسابرسی نسبت به ارزش گذاری دارایی های نامشهود است. رامانا و واتس (۲۰۱۲) استدلال می کنند که نسبت دفتر به بازار یک فیلتر خوب برای شناسایی ارزش دارایی های نامشهود مانند سرقفلی است. آنها استدلال می کنند که نسبت دفتر به بازار بیش از ۱ نشان می دهد سرقفلی احتمالاً در معرض اختلال است. (آنها از این استفاده بیش از یک دوره ۲ ساله استفاده می کنند). با استفاده از این چارچوب، می توانیم ارزیابی کنیم که آیا رابطه بین هزینه های حسابرسی و دارایی های نامشهود به طور سیستماتیک با نسبت دفتر به بازار متغیر است یا خیر. اگر حسابرسان نگران ارزش های دارایی نامشهود منعکس شده در نسبت دفتر به بازار باشند و در نتیجه ریسک حسابرسی بالاتری را درک می کنند، ما باید رابطه مثبتی را انتظار داشته باشیم بین هزینه ها و دارایی های نامشهود. در چنین مواردی فرضیه دوم را مطرح می کنیم: (در شکل متناظر بیان شده):

H2 ارتباط مثبت بین هزینه های حسابرسی و سهم دارایی های نامشهود برای شرکت هایی با ارزش دفتری نسبت به بازار بالاتر است.

طرح پژوهش

ادبیات هزینه حسابرسی، چندین متغیر حسابداری شرکت مشتری را به عنوان تعیین کننده های هزینه های حسابرسی مستند کرده است. Li et al. ۲۰۱۷؛ Ashbaugh et al. ۲۰۰۳؛ (Si muni c ۱۹۸۰؛).

با توجه به این ادبیات، متغیرهای مزبور شامل:

با توجه به این ادبیات، متغیرهای مزبور شامل: یک متغیر برای اندازه مشتری، LAT، به عنوان لگاریتم طبیعی دارایی های کل تعریف شده است؛ متغیرها برای ریسک مشتری، ROA، به عنوان درآمد قبل از آیتام های مازاد بر دارایی های کل تعریف شده است، LOSS، به عنوان یک شاخص تعریف شده است که برابر با ۱ است اگر درآمد منفی است و در غیر این صورت ۰ است، LEV، به عنوان کل بدهی تقسیم بر کل دارایی ها تعریف می شود و EXTRA به عنوان متغیر شاخص تعریف شده است که برابر با ۱ است اگر شرکت دارایی های فوق العاده ای داشته باشد، و در غیر این صورت ۰ است؛ برای نشان دادن پیچیدگی حسابرسی، INVREC، به عنوان مجموع حساب موجودی به اضافه حساب های قابل قبول ضرب در کل دارایی ها تعریف

شده است، AQC، به عنوان یک متغیر شاخص تعریف شده است که برابر با ۱ است، اگر شرکت یک روند ادغام و کسب را در پیش بگیرد ۱، و در غیر این صورت ۰ است، NBS به عنوان تعداد بخش های کسب و کار و NGS بعنوان تعداد بخش های جغرافیایی استفاده شده تعریف شده است؛ متغیر RESTATE به عنوان یک متغیر شاخص تعریف شده است که برابر با ۱ است، اگر شرکت صورتهای مالی خود را تغییر دهد و در غیر این صورت ۰ است و ICWEAK به عنوان متغیر شاخص تعریف شده است که برابر با ۱ است اگر شرکت ضعف در کنترل های داخلی خود را گزارش کند و در غیر این صورت ۰ است؛ برای نشان دادن کیفیت حسابرسی متغیر BIG4 تعریف شده است به عنوان متغیر شاخص که برابر با ۱ است اگر حسابرس شرکت یک حسابرس Big N است و در غیر این صورت ۰ است؛ برای نشان دادن بازنشستگی حسابرس و هزینه های پایین تر دیده شده در سال اول حسابرسی، متغیر NEWAUD، به عنوان متغیر شاخص تعریف شده است که اگر حسابرس شرکت با شرکت به مدت یک سال یا کمتر همکاری داشته برابر ۱ و در غیر این صورت ۰ است؛ برای نشان دادن دوره مشغول ارائه کننده یک محدودیت ظرفیت برای حسابرس، متغیر FY، به عنوان متغیر شاخص تعریف شده است که اگر شرکت سال مالی را در تاریخ ۳۱ دسامبر به پایان می رساند برابر ۱ و در غیر این صورت ۰ است. با توجه به ادبیات پیشین، یک نشانه منفی در سودآوری پیش بینی شده است (ROA) و سال اول حسابرسی با متغیرهای مشتری (NEWAUD). یک نشانه مثبت پیش بینی شده است روی تمام متغیرهای دیگر. متغیر بهره در این مطالعه نسبت دارایی های نامشهود ثبت شده در ترازنامه شرکت مشتری است. این به سه روش سنجیده می شود: INTANG، که به عنوان همه دارایی های نامشهود در ترازنامه ضرب در دارایی های کل تعریف شده است؛ GW به عنوان سرقفلی گزارش شده در ترازنامه ضرب در دارایی های کل تعریف شده است؛ و NONGWINT به عنوان همه دارایی های نامشهود به غیر از سود خالص ضرب در دارایی های کل تعریف شده است.

این مدل برابر است با

$$\begin{aligned} \text{LAUDITFEE}_{it} = & a_0 + a_1 \text{LAT}_{it} + a_2 \text{LEV}_{it} + a_3 \text{ROA}_{it} + a_4 \text{INVREC}_{it} + a_5 \text{LOSS}_{it} + a_6 \text{EXTRA}_{it} \\ & + a_7 \text{NEWAUD}_{it} + a_8 \text{FY}_{it} + a_9 \text{RESTATE}_{it} + a_{10} \text{BIG4}_{it} + a_{11} \text{ICWEAK}_{it} \\ & + a_{12} \text{AQC}_{it} + a_{13} \text{NBS} + a_{14} \text{NGS} + a_{15} \text{INTANG}_{it} \text{ or } \text{GW}_{it} \text{ or } \text{NONGWIN}^* \\ & + \text{Industry dummies} + \text{Yeardummie} + e_{it}, \end{aligned}$$

LAUDITFEE لگاریتم طبیعی هزینه های حسابرسی

LAT، لگاریتم طبیعی دارایی های کل؛

LEV بدهی های کل تقسیم بر دارایی های کل

ROA، به عنوان درآمد قبل از آیتم های مازاد ضرب بر دارایی های کل

INVREC، به عنوان مجموع حساب موجودی به اضافه حساب های قابل قبول ضرب در کل دارایی ها تعریف شده است

LOSS، به عنوان یک شاخص تعریف شده است که برابر با ۱ است اگر درآمد منفی است و در غیر این صورت ۰ است

EXTRA به عنوان متغیر شاخص تعریف شده است که برابر با ۱ است اگر شرکت دارایی های فوق العاده ای داشته باشد، و در غیر این صورت ۰ است؛

متغیر NEWAUD، به عنوان متغیر شاخص تعریف شده است که برابر با ۱ است اگر حسابرس شرکت با شرکت به مدت یک سال یا کمتر همکاری داشته و در غیر این صورت ۰ است؛

متغیر FY، به عنوان متغیر شاخص تعریف شده است که برابر با ۱ است اگر شرکت سال مالی را در تاریخ ۳۱ دسامبر به پایان

می رساند و در غیر این صورت ۰ است.

متغیر RESTATE به عنوان یک متغیر شاخص تعریف شده است که برابر با ۱ است، اگر شرکت صورتهای مالی خود را تغییر دهد و در غیر این صورت ۰ است

متغیر BIG4 تعریف شده است به عنوان متغیر شاخص که برابر با ۱ است اگر حسابرس شرکت یک حسابرس Big N است و در غیر این صورت ۰ است؛

و ICWEAK به عنوان متغیر شاخص تعریف شده است که برابر با ۱ است اگر شرکت ضعف در کنترل های داخلی خود را گزارش کند و در غیر این صورت ۰ است

AQC، به عنوان یک متغیر شاخص تعریف شده است که برابر با ۱ است، اگر شرکت یک روند ادغام و کسب را در پیش بگیرد، و در غیر این صورت ۰ است

NBS به عنوان تعداد بخش های کسب و کار

INTANG، که به عنوان همه دارایی های نامشهود در ترازنامه ضرب در دارایی های کل تعریف شده است

GW به عنوان سرقفلی گزارش شده در ترازنامه ضرب در دارایی های کل تعریف شده است؛

NONGWINT به عنوان همه دارایی های نامشهود به غیر از سود خالص ضرب در دارایی های کل تعریف شده است.

نمونه

همه متغیرهای صورت مالی از COMPUSTAT برای سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ جمع آوری شده اند. داده های هزینه حسابرسی از تجزیه و تحلیل حسابرسی جمع آوری شده اند. مشاهدات از COMPUSTAT با متغیرهای از دست رفته در تحلیل حسابرسی سپس حذف شدند. مطابق با ادبیات تجربی در حسابداری، برای به حداقل رساندن اثر مشاهدات شدید، بالا و پایین ۱٪ از تمام متغیرها حذف می شوند. این منجر به ۲۹۹۶۰ مشاهدات سالیانه گردید.

نتایج

جدول ۱ آمار توصیفی برای متغیرهای اصلی در مطالعه ارائه می دهد. میانگین هزینه حسابرسی برای نمونه ۲,۱۵ میلیون دلار با میانگین ۰,۶۶ میلیون دلار است. با تبدیل به متغیرهای توضیحی اولیه، نسبت دارایی های نامشهود به دارایی های کل (INTANG) دارای میانگین ۱۲٪ و متوسط ۳٪ است که نشان می دهد که برای شرکت های متوسط، دارایی های نامشهود بخش کوچکی از دارایی های کل است در حالی که اقلیت شرکت ها دارای دارایی های نامشهود قابل توجهی هستند. با تمرکز بر تنها سرقفلی به عنوان یک نسبت از کل دارایی ها، میانگین ارزش ۷٪ است و مقدار میانه ۰ است که نشان می دهد که بیش از نیمی از شرکت ها هیچ سرقفلی در ترازنامه های خود ندارند. دارایی های نامشهود به غیر از سرقفلی به عنوان یک نسبت از دارایی های کل دارای ارزش متوسط ۵٪ و ارزش میانه ۱٪ است. برای همه متغیرهای کنترل دیگر بر اساس ادبیات هزینه حسابرسی، آمار تک متغیره همراستا با این ادبیات هستند. همبستگی پیرسون و اسپیرمن (گزارش نشده) نشان می دهد که متغیر هزینه حسابرسی به طور قابل توجهی (در سطح ۱٪) و به طور مثبتی با تمام سه نسبت دیگر همبسته است - دارایی نامشهود به دارایی های کل (INTANG)، سرقفلی به کل دارایی ها (GW) و دارایی های نامشهود به جز سرقفلی به دارایی های کل (NONGWINT).

نتایج چند متغیره برای مدل هزینه حسابرسی در جدول ۲ گزارش شده است. جدول نتایج برای ۳ نسخه از مدل را بر اساس

نوع دارایی نامشهود استفاده شده ارائه می دهد. در نسخه اول، تمام دارایی های نامشهود در ترازنامه به عنوان یک نسبت از کل دارایی ها استفاده می شود، در نسخه دوم فقط سرقفلی به عنوان یک نسبت از کل دارایی ها استفاده می شود و در نسخه سوم تمام دارایی های نامشهود به غیر از سرقفلی به عنوان یک نسبت از کل دارایی ها استفاده می شود. پس از کنترل برای تعیین کننده های هزینه های حسابرسی، متغیر INTANG نشان دهنده نسبت تمام دارایی های نامشهود در ترازنامه به کل دارایی ها، مثبت و معنی دار است (در سطح ۱٪). این نشان می دهد که هزینه های حسابرسی برای شرکت هایی بیشتر است با نسبت دارایی های نامشهود بیشتر. در دومین نسخه از مدل، GW که سرقفلی به عنوان یک نسبت از کل دارایی ها استفاده شده است و این متغیر نیز مثبت است و در سطح ۱٪ قابل توجه است. این نشان می دهد که نسبت بالاتر سود خالص در ترازنامه، باعث هزینه های حسابرسی بالاتری است. در نهایت، در نسخه سوم از مدل، NONGWINT که همه دارایی های نامشهود غیر از سرقفلی است نیز مثبت و قابل توجه است (در سطح ۵٪). این نشان می دهد که هزینه های حسابرسی برای شرکت هایی که دارایی های نامشهود به غیر از سرقفلی بیشتری دارند، بیشتر است. در تمام سه نسخه، نتایج به طور مداوم نشان می دهد که هزینه ها با نسبت دارایی های نامشهود در ترازنامه افزایش می یابد. این نتایج نشان می دهد که یا حسابرِس، دارایی های نامشهود را به حساب می آورد تا کارهای حسابرسی بیشتری را انجام دهد یا وجود دارایی های نامشهود را در صورت حساب نشان می دهد تا نشان دهنده یک خطر بالقوه حسابرسی باشد. این نتایج در جدول با هر توضیحی یا ترکیبی از هر دو توضیح سازگار هستند. در جدول ۲ تعیین کننده های هزینه های حسابرسی مستند در ادبیات پیشین به طور کلی معنی دار هستند و نشانه ها روی متغیرها مطابق با انتظارات مثبت هستند مانند دارایی های کلان، اهرم، بازنشستگی، ضعف کنترل داخلی، از دست دادن، حسابرِس big N، تعداد بخش های کسب و کار، تعداد بخش های جغرافیایی و خرید. این نشانه ها روی بازگشت دارایی ها و حسابرِس جدید منفی هستند مطابق با انتظارات و ضرایب از نظر آماری قابل توجه هستند. یک استثناء INVREC است که نشان دهنده موجودی به همراه حساب های دریافتی به عنوان یک نسبت از کل دارایی ها است که انتظار می رود دارای یک علامت مثبت باشد به عنوان متغیر جتنشین برای ریسک حسابرسی. این نتیجه به نظر می رسد که توسط برخی از مشاهدات شدید هدایت می شود. هنگامی که این متغیر در مقیاس ۵٪ به جای سطح ۱٪ به همان اندازه قبل انجام شده است، علامت مثبت است. برای آزمون فرضیه ۲، مدل رگرسیون هزینه حسابرسی اصلاح شده است توسط معرفی متغیر ارزش دفتری به بازار. به یاد بیاورید که رامانا (۲۰۱۲) استدلال می کند که نسبت بالای ارزش دفتری به بازار شاخص های خوبی از زیات بالقوه هستند. بر اساس منطق آن ها، H2 پیش بینی می کند که برای شرکت هایی با نسبت بالای دفتر به بازار، ارتباط بین هزینه های حسابرسی و نسبت دارایی های نامشهود قوی تر است. برای آزمایش این، یک عبارت تعامل، $INTANG * HGHBM$ ، و یک متغیر شاخص $HGHBM$ به مدل اضافه می شود که برابر با ۱ است اگر نسبت ارزش دفتری به بازار شرکت در بالاترین چارک شرکت ها باشد در غیر این صورت صفر به مدل اضافه می شود. حاصل از این مدل اصلاح شده در جدول ۳ گزارش شده است. متغیرهای بهره در جدول ۳ $INTANG * HGHBM$ و $INTANG$ و $HGHBM$ هستند. در این چارچوب $INTANG$ نشان دهنده کمترین ارزش دفتری به قیمت بازار شرکت ها است و متغیر تعامل $INTANG * HGHBM$ نشان دهنده بیشترین ارزش دفتری به قیمت بازار شرکت ها است. ضریب در $INTANG$ برابر با ۰,۲۷۹ است (قابل توجه در سطح ۱٪) که نشان می دهد که حتی برای شرکت هایی با احتمال کم زیان به طور مثبت با دارایی های نامشهود ارتباط دارد. این نشان می دهد که نگرانی ها به غیر از ارزیابی اشاره شده در بحث پیش فرض فرضیه ۱ تاثیر هزینه حسابرسی نیز دارد. ضریب در $INTANG * HGHBM$ برابر با ۰,۶۲۱ است که نشان می دهد که برای شرکت هایی با نسبت ارزش دفتری به بازار بالا، رابطه مثبت بین هزینه ها و دارایی های نامشهود بسیار بیشتر است همانطور که در ضرایب ترکیبی $INTANG$ و $INTANG * HGHBM$ ۰.۹ مشاهده می شود (قابل توجه در سطح ۱٪). که در جدول ذکر نشده است). این نتیجه سازگار با این موضوع است که نسبت ارزش دفتری به بازار بالا نشان دهنده احتمال بیشتر زیان در دارایی های نامشهود است. حسابرسان ممکن است هزینه های بالاتری را به دلیل ریسک بالای این دارایی ها تحمیل کنند. هنگامی که این تجزیه و تحلیل به صورت جداگانه (نتایج گزارش نشده) برای سرقفلی و دارایی های نامشهود غیر از سرقفلی انجام می شود، تعامل مثبت و معنی دار برای هر دو نوع دارایی وجود دارد این نتیجه نشان می دهد که اگر چه عوامل متعددی باعث افزایش هزینه های حسابرسی برای دارایی های نامشهود می شوند، نگرانی ها در مورد ارزیابی نقش قابل

توجهی در همه انواع دارایی های نامشهود عمده ایفا می کند.

جدول ۱. آمار توصیفی

متغیر	میانگین	SD	مینیمم	25%	میان	75%	ماکزیمم
AUDITFEE	2.15	5.77	0.00	0.19	0.66	1.70	144.50
LAT	6.32	2.83	-6.21	4.68	6.55	8.12	15.00
LEV	0.69	0.75	0.00	0.37	0.60	0.87	9.94
ROA	-0.20	1.07	-20.00	-0.04	0.01	0.05	0.50
INVREC	0.24	0.22	0.00	0.06	0.18	0.38	0.80
LOSS	0.35	0.48	0.00	0.00	0.00	1.00	1.00
EXTRA	0.10	0.30	0.00	0.00	0.00	0.00	1.00
NEWAUD	0.05	0.23	0.00	0.00	0.00	0.00	1.00
FY	0.76	0.43	0.00	1.00	1.00	1.00	1.00
RESTATE	0.07	0.26	0.00	0.00	0.00	0.00	1.00
BIG4	0.61	0.49	0.00	0.00	1.00	1.00	1.00
ICWEAK	0.02	0.14	0.00	0.00	0.00	0.00	1.00
AQC	0.24	0.42	0.00	0.00	0.00	0.00	1.00
NBS	1.485	1.15	1.00	1.00	1.00	1.00	9.00
NGS	2.135	2.14	1.00	1.00	1.00	2.00	12.00
INTANG	0.12	0.18	0.00	0.00	0.03	0.18	0.80
GW	0.07	0.13	0.00	0.00	0.00	0.09	0.80
NONGWINT	0.05	0.10	0.00	0.00	0.01	0.06	0.80

جدول ۲. رگرسیون هزینه های حسابرسی روی نسبت دارایی های نامشهود و متغیرهای کنترل

متغیرها	(t-statistic) ضریب		
	مدل ۱ همه دارایی های نامشهود	مدل ۲ سرقتی	مدل ۳ همه دارایی های نامشهود به غیر از سرقتی
Intercept	9.532 (280.14) ^a	9.538 (282.47) ^a	9.545 (277.66) ^a
LAT	0.435 (101.01) ^a	0.432 (101.01) ^a	0.437 (100.01) ^a
LEV	0.067 (7.49) ^a	0.068 (7.74) ^a	0.071 (8.07) ^a
ROA	-0.056 (-8.47) ^a	-0.057 (-8.59) ^a	-0.053 (-8.06) ^a
INVREC	-0.187 (-4.92) ^a	-0.187 (-4.99) ^a	-0.232 (-6.17) ^a
LOSS	0.137 (9.55) ^a	0.144 (9.98) ^a	0.135 (9.28) ^a
EXTRA	0.028 (0.25)	0.016 (0.04)	-0.002 (-0.02)
NEWAUD	-0.114 (-7.32) ^a	-0.111 (-7.19) ^a	-0.113 (-7.22) ^a
FY	-0.021 (-1.82) ^c	-0.019 (-1.70) ^c	-0.022 (-1.77) ^c
RESTATE	0.047 (2.90) ^a	0.046 (2.80) ^a	0.048 (2.85) ^a
BIG4	0.665 (34.14) ^a	0.665 (34.45) ^a	0.6664 (33.89) ^a
ICWEAK	0.291 (7.48) ^a	0.296 (7.62) ^a	0.294 (7.44) ^a
AQC	0.168 (12.26) ^a	0.158 (11.51) ^a	0.215 (15.40) ^a
---	---	---	---

جدول ۳. رگرسیون هزینه های حسابرسی روی نسبت دارایی های نامشهود، تعامل با نسبت دفتر به بازار و متغیرهای کنترل دیگر

متغیرها	ضریب (t-statistic)
Intercept	9.593 (282.87) ^a
LAT	0.438 (101.48) ^a
LEV	0.058 (6.57) ^a
ROA	-0.054 (-8.22) ^a
INVREC	-0.119 (-3.17) ^a
LOSS	0.149 (10.39) ^a
EXTRA	-0.003 (-0.04)
NEWAUD	-0.121 (-7.69) ^a
FY	-0.021 (-1.77) ^c
RESTATE	0.052 (3.21) ^a
BIG4	0.640 (33.09) ^a
ICWEAK	0.297 (7.56) ^a
AQC	0.159 (11.65) ^a

تجزیه و تحلیل بیشتر

کاهش ارزیابی دوره فعلی دارایی های نامشهود به عنوان یک توضیح بالقوه: یکی از دلایلی که حسابرسان ممکن است هزینه های بیشتری برای دارایی های نامشهود بپردازند این است که این دارایی ها به علت کاهش در طول دوره حسابداری فعلی معمولاً ارزش آنها تقلیل یافته است. این کاهش ممکن است یک شاخص منفی از چشم انداز آینده باشد علاوه بر این، کاهش ممکن است شامل اقدامات حسابرسی بیشتر با توجه به این که رویدادهای نامنظم است. به همین علت حسابرسان ممکن است هزینه های بالاتری را بپردازد و این به همین دلیل است که نتایج در جدول ۲ نشان می دهد که هزینه ها برای شرکت هایی که دارای دارایی های نامشهود بالاتری هستند بالاتر است. برای رفع این مسئله، مدل در جدول با INTANG پس از حذف همه مشاهداتی مشخص می شود که یک کاهش دارایی نامشهود در طول سال جاری را گزارش می کند. نتایج نشان می دهند که پس از حذف مشاهدات با کاهش ارزش، رابطه مثبت و معنی داری بین هزینه های حسابرسی و INTANG وجود دارد. این نتیجه نشان می دهد که کاهش ارزش دوره فعلی احتمالاً محرک نتیجه ارتباط مثبت بین هزینه های حسابرسی و دارایی های نامشهود نیست.

سهام دارایی های نامشهود و اصلاحات بعدی اظهارات مالی: همانطور که قبلاً بحث شد، پیچیدگی بررسی برخی از دارایی های

نامشهود، یک خطر حسابرسی را در بر می گیرد که گاهی منجر به اتهامات قضایی و زیان های اعتباری برای حسابرسان می شود، (Pal mrose ۱۹۸۷). که هر دو هزینه قابل ملاحظه ای دارد برای رسیدگی به این مسئله که آیا بخش بالایی از دارایی های نامشهود با اصلاحیه های بعدی همراه است صورت های آینده (۲ یا ۳ سال بعد) باید مجددا در رابطه با دارایی های نامشهود و سایر متغیرهای کنترل اصلاح شوند (اندازه، سودآوری، خرید، ضعف کنترل داخلی، صنعت و کنترل هایسال در راستای ادبیات پیشین) ضریب در دارایی های نامشهود (یا تنها سرقفلی) مثبت و معنی دار در سطح ۵٪ نشان می دهد که اصلاحیه های بعدی همراه با نسبت بالاتر دارایی های نامشهود یا سرقفلی می باشند. این نتایج با این یافته سازگار هستند مبنی بر اینکه حسابرسان هزینه های بالاتری برای شرکت هایی با نسبت بالایی از دارایی های نامشهود به علت ریسک حسابرسی اضافی پرداخت می کنند. توجه داشته باشید که این نتایج باید اکتشافی باشد تا به اصلاحیه ها در طول زمان کمک کنند، یعنی دارایی های نامشهود ممکن است باعث عدم اجرای اصلاحیه ها شوند. دارایی های نامشهود به تنهایی ممکن است این اصلاحات را ایجاد نکرده باشد. راه دیگری برای بررسی مسئله تحریفات بالقوه دارایی های نامشهود در سال های بعد به اینگونه دارایی ها آسیب می رساند. برای مقابله با این، اختلال سرقفلی نسبت به سهم فعلی سرقفلی و دیگر مشخصه های شرکت کاهش می یابد. با توجه به این که COMPUSTAT به طور جداگانه کاش ارزش سرقفلی را گزارش می دهد، انجام این تحلیل به طور مستقیم امکان پذیر است. نتایج نشان دهنده یک ضریب مثبت و معنی دار (۵٪) در مورد نسبت دارایی های نامشهود از نوع سرقفلی هستند

نتایج با استفاده از تجزیه و تحلیل تغییرات: دارایی های نامشهود برای بسیاری از شرکت ها ممکن است به طور قابل توجهی در طول زمان تغییر نکند، یعنی شرکت هایی با نسبت زیادی از دارایی های نامشهود ممکن است برای مدت زمان طولانی ساکن باقی بمانند. برای تعیین این که آیا نتایج به تغییرات پایدار هستند یا خیر مدل در شکل تغییرات اصلاح شده است. یعنی تغییر در هزینه های حسابرسی به عنوان متغیر وابسته استفاده می شود و تغییر در نسبت دارایی های نامشهود به عنوان متغیر توضیحی استفاده می شود. تمام دیگر متغیرهای پیوسته کنترل نیز به مشخصه تغییر تبدیل می شوند. در این نسخه اصلاح شده، تغییر در نسبت دارایی های نامشهود و تغییر در نسبت سرقفلی هر دو مثبت و قابل توجه در سطح ۵٪ هستند. تغییر در نسبت دارایی های نامشهود بدون سرقفلی، در سطوح قراردادی معنی دار نیست (مقدار $p = 0.15$). به طور کلی این پشتیبانی اضافی از ثبات نتایج در مدل هزینه اصلی ارائه می کنند.

هزینه های غیر حسابرسی: چندین مقاله حسابرسی این موضوع را بررسی می کند که آیا استقلال حسابرس به خطر می افتد هنگامی که حسابرسان مقدار قابل توجهی از هزینه های غیر حسابرسی از مشتریان دریافت می کنند. (Shi pnan et al ۲۰۱۶). تمرکز این مطالعه این است که چگونه حسابرسان حضور دارایی های نامشهود را در ترازنامه مشاهده می کنند با توجه به تلاش های حسابرسی و ریسک و در نتیجه هزینه های حسابرسی برای مطالعه این رابطه استفاده می شود. بنابراین، آیا هزینه های غیر حسابرسی، استقلال حسابرس را فراتر از این مطالعه به خطر می اندازد

وینزوریدن: که از جدول ۱ دیده می شود، حداقل یا حداکثر مقدار برای برخی از متغیرها کاملاً بزرگ است. برای بررسی اینکه آیا چنین مشاهدات تاثیر مستقیمی بر نتایج دارند، تجزیه و تحلیل توسط winsorizing متغیرهای پیوسته در سطوح ۲ و ۵٪ انجام می شود. این رویه ها نتایج مشابهی را با یک تفاوت ایجاد می کنند، که علامت در متغیر INVREC تبدیل به مثبت می شود.

متغیر های دوره قبل: چون هزینه های حسابرسی معمولاً در آغاز دوره تعیین می شوند، اطلاعات مربوط به دارایی های نامشهود که در اختیار حسابرس قرار می گیرند، همانند سال گذشته است. برای مقابله با این، نسبت های دوره قبل دارایی ای نامشهود برای INTANG به جای نسبت های فعلی استفاده می شود. نتایج مشابه با جدول ۲ است.

خلاصه

رشد دارایی‌های نامشهود به عنوان بخشی از دارایی‌های کل در ترازنامه در سال‌های اخیر افزایش یافته است. مقالات متعددی به بررسی این موضوع می‌پردازند که چگونه سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران، و قانون‌گذاران به دارایی‌های نامشهود در ترازنامه پاسخ می‌دهند. این مطالعه با بررسی این که چگونه حساب‌رسان خارجی دارایی‌های نامشهود را در ترازنامه بررسی می‌کنند، به این ادبیات کمک می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که حساب‌رسان هزینه‌های بالاتری را برای شرکت‌هایی با نسبت بالایی از دارایی‌های نامشهود که در ترازنامه هستند، هزینه می‌کنند، که نشان می‌دهد که حساب‌رسان آن را به عنوان خطرات احتمالی حساب‌رسی و در نتیجه نیاز به تلاش بیشتر در نظر می‌گیرند. این نتیجه به هر دو نوع سرقفلی و انواع دیگر دارایی‌های نامشهود اعمال می‌شود. ارتباط بین هزینه‌های حساب‌رسی و دارایی‌های نامشهود برای شرکت‌هایی که ارزش دفتر بالاتری به بازار دارند، مشخص‌تر است که نشان می‌دهد حساب‌رسان دارایی‌های نامشهود را برای چنین شرکت‌هایی به احتمال زیاد پرخطرتر می‌دانند که احتمالاً به علت توان بالقوه بیش از حد ارزش‌ها است در نهایت، نتایج نسبت به موارد کاهش ارزش دارایی‌ها مقاوم هستند. این نتایج برای سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران مانند PCAOB، مدیران شرکت، هیئت مدیره شرکت و حساب‌رسان بسیار مهم هستند. مدیران شرکت و سرمایه‌گذاران علاقه‌مند به کاهش هزینه‌های حساب‌رسی هستند و ممکن است لازم باشد به افشای اطلاعاتی دست بزنند تا بتوانند هزینه‌های حساب‌رسی را کاهش دهند. هر دو حساب‌رسان و قانون‌گذاران حساب‌رسی، در حالی که در مورد قوانین حسابداری برای شناخت دارایی‌های نامشهود بحث می‌کنند ممکن است برای اطمینان بیشتر در مورد ارزیابی‌ها تجدید نظر کنند و در نتیجه منجر به کاهش هزینه‌های حساب‌رسی می‌شوند. از دیدگاه دولت، هیئت مدیره همیشه نگران هزینه‌های حساب‌رسی بالاست و اینکه آیا آنها نشانه‌ای از مشکلات زمینه‌ای در گزارش هستند؟ تحقیقات آینده می‌تواند این نتایج را با در نظر گرفتن اینکه آیا شرکت‌ها می‌توانند هزینه‌های حساب‌رسی بالاتری را با ارائه اطلاعات افشاگری مناسب که اطلاعات خصوصی را به حساب‌رسان نشان می‌دهند و به این ترتیب موجب کاهش نگرانی‌های ارزیابی می‌شود، گسترش دهد.

منابع و مآخذ

1. American Institute of Certified Public Accountants. 1994. Statements on auditing standards 73. Using the work of a specialist.
2. Ashbaugh, H., R. LaFond, and B. Mayhew. 2003. Do nonaudit services compromise auditor independence? Further evidence. *The Accounting Review* 78(3): 611-639.
3. Beneish, Messod D. 1999. The detection of earnings manipulation. *Financial Analysts Journal* 55: 24-36.
4. Calcbench. 2016. A look at intangible assets. <http://blog.calcbench.com/post/144306461513/a-lookat-intangible-assets>.
5. Coulton, J., G. Liven, A.K. Petticnicchio, and S. Taylor. 2016. Abnormal audit fees and accounting quality working paper.
6. Fields, L.P., D.R. Fraser, and M.S. Wilkins. 2004. An investigation of audit pricing for financial institutions. *Journal of Accounting and Public Policy* 23: 53-77.
7. Financial Accounting Standards Board (FASB). 1985. Accounting for the costs of computer software to be sold, leased, or otherwise marketed. SFAS No. 86. Stamford, CT: FASB.
8. Financial Accounting Standards Board (FASB). 2017. ASC 350, intangibles—Goodwill and other. Stamford, CT: FASB. Holder-Webb, L., and M. Kohlbeck. 2006. The hole in the doughnut: Accounting for acquired intangibles at Krispy Kreme. *Issues in Accounting Education* 21(3): 297-312.
9. Jiang, W., and M. Son. 2015. Do audit fees reflect risk premiums for control risk? *Journal of Accounting, Auditing, and Finance* 30: ۳۴۰-۳۱۸.
10. Johnstone, K.M., A.A. Gramling, and L.E. Rittenberg. 2014. Auditing: A risk based approach conducting a quality audit, 9th ed.
11. Cengage Learning, OH. Kieso, D., J. Weygandt, and T. Warfield. 2016. Intermediate accounting. New York, NY: Wiley.
- 12.
- 13.

14. Kinney, W.R., Z.V. Palmrose, and S. Scholz. 2004. Auditor independence, non-audit services, and restatements: Was the
15. U.S. government right? *Journal of Accounting Research* 42(3.۵۸۸-۵۶۱):(Krishnan, G.V., and C. Wang. 2014. Are capitalized software
16. development costs informative about audit risk? *Accounting Horizons* 28(1): 39-57.
17. Lev, B., and F. Gu. 2016. The end of accounting and the path forward for investors and managers. Hoboken: Wiley Finance.
18. Li, Y., D. Simunic, and M. Ye. 2017. Do auditors care about clients' compliance with environmental regulations? https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2961998.
19. McInnis, J.M., and B.R. Monsen. 2017. Are the recorded values of acquired intangible assets indicative of their future payoffs?
20. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2956669.
21. Messier, W.F., S.M. Glover, and D.F. Prawitt. 2017. Auditing and assurance services. New York: McGraw Hill Companies.
22. Monga, V. 2016. Accounting's 21st century challenge: How to value
23. intangible assets. *The Wall Street Journal*. [https://www.wsj.com/articles/accountings-21st-century-challenge-how-to-value-intan-](https://www.wsj.com/articles/accountings-21st-century-challenge-how-to-value-intangible-assets-1458605126)
24. [gible-assets-1458605126](https://www.wsj.com/articles/accountings-21st-century-challenge-how-to-value-intangible-assets-1458605126).
25. Mulford, C., and J. Roberts. 2006. Capitalization of software development costs: A survey of accounting practices in the
26. software industry. Working paper, Georgia Institute of Technology.
27. Nakamura, L.I. 2008. Intangible assets and national income accounting. Federal Reserve Bank of Philadelphia working paper.
28. Palmrose, Z.V. 1987. Litigation and independent auditors: The role of business failures and management fraud. *Auditing: A Journal of*
29. *Practice & Theory* 6(2): 90-103.
30. Public Company Accounting Oversight Board. 2015. Audit committee dialogue. <https://pcaobus.org/sites/digitalpublications/auditcommittee-dialogue>.
31. Public Company Accounting Oversight Board. 2016a. AS2502: Auditing fair value measurements and disclosures. Washington, DC: PCAOB.
32. Public Company Accounting Oversight Board. 2016b. Preview of observations from 2015 inspections of auditors of issuers. [https://pcaobus.org/Inspections/Documents/Inspection-](https://pcaobus.org/Inspections/Documents/Inspection-Brief-2016-1-Auditors-Issuers.pdf)
33. [Brief-2016-1-Auditors-Issuers.pdf](https://pcaobus.org/Inspections/Documents/Inspection-Brief-2016-1-Auditors-Issuers.pdf).
33. Ramanna, K., and R. Watts. 2012. Evidence on the use of unverifiable estimates in required goodwill impairment. *Journal of Accounting and Economics* 17(4): 749-780. *Sevion Therapeutics*. 2015. 10-K report.
34. Sherman, H.D., and S.D. Young. 2016. Where financial reporting still falls short. *Harvard Business Review*: Brighton.
35. Shipman, J.E., J.V. Carcello, and T.L. Neal. 2016. Non-audit fees: Do they matter after all? <http://ssrn.com/abstract=2511340>.
36. Simunic, D.A. 1980. The pricing of audit services: Theory and evidence. *Journal of Accounting Research* 18: 161-190.
37. Spiceland, J.D., M.W. Nelson, and W.B. Thomas. 2017.